

## تأثیر آموزش اصول و فلسفه تربیت‌بدنی بر ذهنیت فلسفی دانشجویان

علی محمد صفانیا<sup>۱</sup>

تاریخ وصول: ۹۰/۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۱۰

### چکیده

یکی از روش‌های تفکر، تفکر فلسفی است؛ و آنچه مسلم است، تعیین اهداف و به دنبال آن تعیین روش‌های اجرایی و ارزشیابی نتایج، بدون داشتن تفکرات و پایه‌های فلسفی، کاری سطحی و کم‌دوام خواهد بود. از این رو بر این پژوهش به بررسی اثر آموزش یک ترم اصول و فلسفه تربیت‌بدنی بر ذهنیت فلسفی دانشجویان دختر و پسر گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی ورزشی پرداخته است.

روش تحقیق از نوع نیمه آزمایشی بوده که به شکل پیش‌آزمون و پس‌آزمون اجرا شد و جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و از طریق پرسشنامه انجام گرفت، بدین منظور تعداد ۵۱ دانشجوی دختر و پسر رشته کارشناسی ناپیوسته تربیت‌بدنی با گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی ورزشی از دانشگاه غیرانتفاعی شمال آمل که در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ در ترم یک مشغول به تحصیل بودند، در این تحقیق شرکت کردند؛ و قبل و پس از ۱۶ جلسه تشکیل کلاس اصول و فلسفه تربیت‌بدنی، توسط پرسشنامه «ذهنیت فلسفی» (تهیه شده توسط طالب‌پور و همکاران

۱۳۸۴) ارزیابی شدند. پرسشنامه مذکور ۶۰ سؤالی، دارای ۳ بُعد «تعمق<sup>۱</sup>، انعطاف‌پذیری<sup>۲</sup>، و جامعیت<sup>۳</sup>» (هر بُعد فلسفی با ۲۰ سؤال) می‌باشد.

پس از آموزش اصول و فلسفه تربیت‌بدنی میزان ذهنیت فلسفی، مؤلفه‌های جامعیت و تعمق دانشجویان در مقایسه با قبل آن بهبود معنی‌داری یافت؛ اما در مؤلفه انعطاف‌پذیری تغییر معنی‌داری دیده نشد. همچنین پس از آموزش بین ذهنیت فلسفی دختران با پسران، دانشجویان دارای رشته‌های ورزشی انفرادی و گروهی، و سطوح مختلف قهرمانی هیچ تفاوتی مشاهده نشد.

بهبودی معنی‌دار ذهنیت فلسفی دانشجویان ناشی از افزایش معنی‌دار مؤلفه‌های جامعیت و تعمق آن بود؛ و اثرگذاری معنی‌دار آموزش اصول و فلسفه تربیت‌بدنی بر بهبود ذهنیت فلسفی دانشجویان، ضرورت آموزش آن را در دوره‌های ضمن خدمت مدیران و همچنین واحدهای تصمیم‌گیری سازمان‌های ورزشی مورد تأکید قرار می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** اصول و فلسفه تربیت‌بدنی، ذهنیت فلسفی، مدیریت و برنامه‌ریزی ورزشی.

#### مقدمه

چنانچه جوهر اصلی مکاتب فلسفی را دیدگاه آن‌ها از نظر هستی‌شناسی<sup>۴</sup>، ارزش‌شناسی<sup>۵</sup> و معرفت‌شناسی<sup>۶</sup> بدانیم، تأثیر عمیق آن‌ها در هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و روش‌های اجرایی و نظام‌های ارزشیابی مراکز آموزشی به گونه‌ای روشن‌تر پدیدار خواهد شد (۹). فلسفه جهت می‌دهد، کاربرد دانش‌ها و مهارت‌های اندوخته‌شده در دوران کارآموزی حرفه‌ای را به یک شیوه مؤثر ممکن می‌سازد. فلسفه به توسعه و روشن شدن باورها و ارزش‌هایی که مبنای رفتار

- 
1. penetration
  2. flexibility
  3. comprehensiveness
  4. Ontology
  5. Axiology
  6. Epistemology

هستند کمک می‌کند. فلسفه عبارت است از: فرایند آزمایش نقادانه، استدلال و تفکر برای رسیدن به حقیقت. معیارهای اخلاقی و ارزش‌ها راهنمای عمل حرفه‌ای و زندگی روزمره ما هستند (۱۱).

از سوی دیگر، روبه‌رویی انسان با مسائل پیچیده در زندگی، در هر لحظه او را به تصمیم‌گیری در شرایط ریسک و بحرانی نیازمند می‌نماید (۱۰ و ۱۳). در مدیریت نیز تصمیم‌گیری هدفمندانه یکی از نیازهای مهم به شمار می‌رود؛ به طوری که تصمیم‌گیری بدون تفکر و تحلیل، صحیح نبوده و خطرناک می‌باشد (۸ و ۱۳). رسالت مدرسه و آموزش و پرورش، آموزش فکر کردن است؛ زیرا اگر فراگیران در زمان اشتغال به تحصیل در مدرسه یا دانشگاه، فکر کردن را نیاموزند، چگونه می‌توانند به یادگیری ادامه دهند (۲ و ۱۳). از مسائل مهم و قابل بحث در باب تفکر، روش‌های تفکر است. روش‌های تفکر، زیربنای نظریه‌ها، قضاوت‌ها، داوری‌ها، شناخت‌ها و جهان‌بینی‌ها است (۴ و ۱۴). طرز تفکر انسان، در بکار بستن اصول و قوانین زندگی او را یاری می‌نماید (۵ و ۱۴). یکی از روش‌های تفکر، تفکر فلسفی است (۴ و ۱۳). آن چه مسلم است، تعیین اهداف و به دنبال آن تعیین روش‌های اجرایی و ارزشیابی نتایج، بدون داشتن تفکرات و پایه‌های فلسفی، کاری سطحی و کم‌دوام خواهد بود. مکاتب فکری و فلسفی مختلف نحوه شکل‌گیری و وظایفی که مراکز آموزشی باید بر عهده گیرند را به صورت‌های مختلف بیان کرده‌اند.

به نظر می‌رسد دانشجویان همانگونه که در دوران دانشجویی در مراکز تربیت معلم و در سایر دانشگاه‌ها، دروس عملی و تئوری فراوانی در زمینه حرکات متعدد ورزشی و اثرات آن بر انسان، می‌گذرانند، باید مهارت‌های ذهنیت فلسفی را نیز طی آموزش‌های مختلف عملی و تئوری رشد و توسعه دهند و این کار می‌تواند در کنار واحدهای درسی مربوط به فلسفه تربیت بدنی و یا اصول و مبانی تربیت بدنی صورت پذیرد (۳). بنابراین با توجه به اهمیت تفکر و تصمیم‌گیری متفکرانه در بخش مدیریت علی‌الخصوص مدیریت ورزشی کشور؛ و رسالت دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت بدنی در امر تربیت مدیر ورزشی متخصص، لازم است که علاوه

بر تفهیم فلسفه، فلسفه تربیت‌بدنی و دیدگاه‌های فلسفی مختلف نسبت آن، به روشن کردن جنبه‌های مختلف ذهنیت فلسفی نیز پرداخته شود. از این رو تحقیق حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا ۱۶ جلسه تدریس درس اصول و فلسفه تربیت‌بدنی بر ذهنیت فلسفی دانشجویان کارشناسی ناپیوسته مدیریت و برنامه‌ریزی ورزشی دانشگاه غیرانتفاعی شمال آمل تأثیری دارد؟ لازم به ذکر است که اگرچه مطالعاتی به مقایسه ذهنیت فلسفی در نمونه‌های آماری متعدد با ویژگی‌های خاص خود پرداخته‌اند، اما این پژوهش برای اولین بار در کشور صورت می‌پذیرد و ادبیات پیشینه‌ای در این زمینه در کشور موجود نیست.

### روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق از نوع نیمه آزمایشی بوده که به شکل طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون اجرا شد و جمع‌آوری اطلاعات به صورت میدانی و از طریق پرسشنامه انجام گرفت.

جامعه و نمونه: جامعه و نمونه آماری پژوهش حاضر شامل ۵۶ دانشجوی دختر و پسر مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته تربیت‌بدنی با گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی دانشگاه غیرانتفاعی شمال آمل بود که در سال تحصیلی ۸۸-۸۷، در ترم اول شاغل به تحصیل بوده‌اند. با تمهیدات و شرایطی که گذاشته شد، تعداد ۴۱ نفر (۱۶ پسر و ۲۵ دختر) بدون غیبت کلاسی بودند و اطلاعات جمع‌آوری شده از ایشان مورد قبول و تجزیه و تحلیل آماری واقع شد. میانگین و خطای استاندارد سنی ایشان نیز به ترتیب برای دانشجویان پسر و دختر شامل  $21/62 \pm 0/48$  و  $22/12 \pm 0/51$  بود.

ابزار تحقیق: ابزار این پژوهش پرسشنامه «ذهنیت فلسفی» طالب‌پور و همکاران (۱۳۸۴) است (۱۳) به طوری که شامل ۳ مؤلفه (جامعیت، تعمق، انعطاف‌پذیری) می‌باشد که با ۶۰ سؤال (هر غالب فلسفی با ۲۰ سؤال) پوشش داده شده است؛ و هر سؤال ۴ گزینه برای انتخاب پاسخ دارد (۴ سطحی لیکرت)؛ به طوری که با انتخاب گزینه اول (هرگز)، امتیاز ۱؛ با انتخاب گزینه دوم (بندرت)، امتیاز ۲؛ با انتخاب گزینه سوم (بعضی مواقع)، امتیاز ۳؛ و با انتخاب گزینه چهار

(تقریباً همیشه)، امتیاز ۴ به هر سؤال داده می‌شود. در پایان پاسخ‌دهی به سؤالات، مجموع نمرات هر ۲۰ سؤال محاسبه شده و رتبه‌بندی هر غالب فلسفی برای هر شخص تعیین می‌گردد. طرح تحقیق (برنامه‌ریزی جلسات و محتوای کلاس‌ها): هر هفته یک جلسه به مدت یک ترم (۱۶ جلسه) کلاس‌ها بدین شکل برگزار می‌گردد: جلسه اول، مقدمه‌ای بر فلسفه؛ جلسه دوم تا یازدهم، معرفی ۵ فلسفه آموزشی اصالت‌ذهن، واقع‌گرایی، جاودان‌گرایی، وجود‌گرایی، تجربه‌گرایی؛ جلسه دوازدهم و سیزدهم، اصول فلسفه تربیت‌بدنی؛ و جلسه چهاردهم تا شانزدهم، مؤلفه‌های ذهنیت فلسفی و تجلی آن در تربیت‌بدنی.

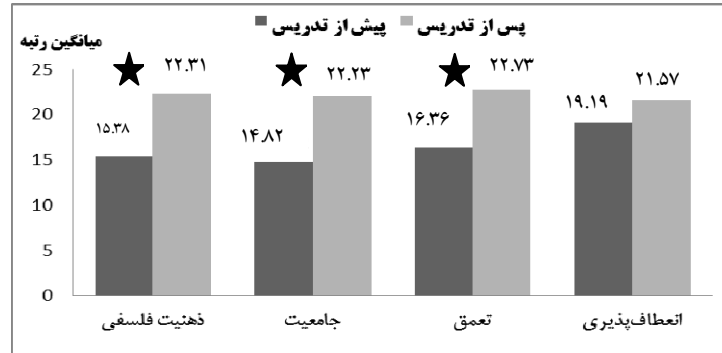
روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات: نحوه انتخاب دانشجویان به صورت نمونه در دسترس بود. پرسشنامه بین نمونه‌ها توزیع شد و پس از آن جهت مقایسه ذهنیت فلسفی و مؤلفه‌های آن قبل و پس از آموزش از آزمون ویلکاکسون<sup>۱</sup>، و برای مقایسه ذهنیت فلسفی و مؤلفه‌های آن از متغیرهای جنسیت، و ورزش‌های انفرادی و گروهی از آزمون U مان-ویتنی<sup>۲</sup> و برای مقایسه بین دانشجویان دارای سطوح مختلف قهرمانی از آزمون H کروسکال-والیس<sup>۳</sup> استفاده شد (۱۲). سطح معنی‌داری در این تحقیق  $\leq 0/05$  بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

### نتایج

به طور کلی میزان ذهنیت فلسفی دانشجویان مقطع کارشناسی ناپیوسته تربیت‌بدنی گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی، پس از ۱۶ جلسه آموزش واحد درسی اصول و فلسفه تربیت‌بدنی، افزایش معنی‌داری نسبت به قبل از برگزاری کلاس‌ها داشت. همچنین این نتیجه در مؤلفه‌های جامعیت و تعمق نیز مشاهده شد؛ اما در مؤلفه انعطاف‌پذیری تغییر معنی‌داری یافت نشد (نمودار ۱).

---

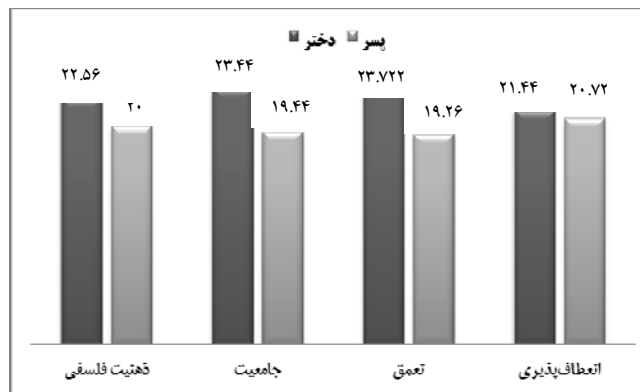
1. Wilcoxon Signed Ranks Test  
2. Mann-Whitney U  
3. Kruskal-Wallis H Test



نمودار ۱. میزان تغییرات میانگین رتبه ذهنیت فلسفی و سه بُعد آن در دانشجویان تربیت‌بدنی مقطع کارشناسی ناپيوسته گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی در پیش و پس از ۱۶ جلسه تدریس اصول و فلسفه تربیت‌بدنی.

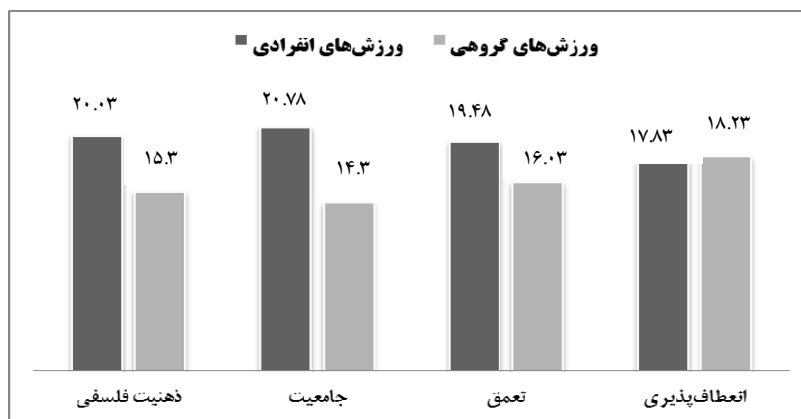
★ نشان‌دهنده معنی داری در سطح  $\alpha \leq 0/05$

تفاوت معنی‌داری میان دانشجویان دختر و پسر در میزان ذهنیت فلسفی پس از ۱۶ جلسه آموزش وجود نداشت (میانگین رتبه ۲۲/۱۹ برای دختران در مقابل ۲۰/۲۴ برای پسران؛  $p=0/611$ ). این نتایج در مؤلفه‌های جامعیت (میانگین رتبه ۲۲/۹۷ برای دختران در مقابل ۱۹/۷۴ برای پسران  $(p=0/398)$ ، تعمق (میانگین رتبه ۲۳/۵۶ برای دختران در مقابل ۱۹/۳۶ برای پسران  $(p=0/272)$  و انعطاف‌پذیری (میانگین رتبه ۲۱/۳۱ برای دختران در مقابل ۲۰/۸۰ برای پسران  $(p=0/893)$ ) نیز به همین صورت بود (نمودار ۲).



نمودار ۲. میزان اختلاف میانگین رتبه ذهنیت فلسفی و سه بُعد آن در دانشجویان تربیت‌بدنی دختر و پسر، پس از ۱۶ جلسه تدریس اصول و فلسفه تربیت‌بدنی.

تفاوت معنی داری میان دانشجویانی که به ورزش‌های انفرادی و گروهی مشغول بودند، در میزان ذهنیت فلسفی پس از آموزش وجود نداشت (میانگین رتبه ۲۰/۰۳ برای انفرادی در مقابل ۱۵/۳۰ برای گروهی؛  $p=۰/۱۷۹$ ). این نتایج در مؤلفه‌های جامعیت {میانگین رتبه ۲۰/۷۸ برای انفرادی در مقابل ۱۴/۳۰ برای گروهی ( $p=۰/۰۶۳$ )}، تعمق {میانگین رتبه ۱۹/۴۸ برای انفرادی در مقابل ۱۶/۰۳ برای گروهی ( $p=۰/۳۲۵$ )} و انعطاف‌پذیری {میانگین رتبه ۱۷/۱۸ برای انفرادی در مقابل ۱۸/۲۳ برای گروهی ( $p=۰/۹۰۷$ )} نیز به همین صورت بود (نمودار ۳).



نمودار ۳. میزان اختلاف میانگین رتبه ذهنیت فلسفی و سه بُعد آن در دانشجویان تربیت‌بدنی شاغل به ورزش‌های انفرادی و گروهی، پس از ۱۶ جلسه تدریس اصول و فلسفه تربیت‌بدنی.

تفاوت معنی داری میان دانشجویانی که در رشته‌های ورزشی خود دارای سطوح مختلف قهرمانی بودند، در میزان ذهنیت فلسفی پس از آموزش وجود نداشت. این نتیجه برای مؤلفه‌های جامعیت، تعمق و انعطاف‌پذیری نیز مشابه بود (جدول ۱).

جدول ۱. میزان اختلاف میانگین رتبه ذهنیت فلسفی و سه بُعد آن در دانشجویان تربیت‌بدنی دارای سطوح مختلف

قهرمانی، پس از ۱۶ جلسه تدریس اصول و فلسفه تربیت‌بدنی

معنی‌داری	درجه آزادی	مرجع کای	بین‌المللی	ملی	استانی	شهرستان	بدون قهرمانی	
۰/۴۳۰	۴	۳/۸۲۹	۳۸/۵۰	۲۱/۱۴	۱۹/۸۱	۱۲/۶۷	۲۰/۴۵	جامعیت
۰/۶۶۱	۴	۲/۷۰۴	۳۷/۰۰	۱۹/۵۳	۲۲/۱۳	۱۸/۳۳	۱۹/۹۵	تعمق
۰/۷۲۸	۴	۲/۰۴۵	۲۷/۵۰	۲۱/۲۵	۱۵/۸۸	۱۹/۱۷	۲۲/۵۵	انعطاف‌پذیری
۰/۵۵۰	۴	۳/۰۵۰	۳۸/۵۰	۲۰/۱۱	۲۰/۰۰	۱۵/۳۳	۲۱/۳۵	ذهنیت فلسفی

### بحث

همانطور که مبرهن است، یکی از نتایج پربار آمادگی حرفه‌ای دوران دانشگاهی، توسعه و تکامل فلسفه تربیت‌بدنی و ورزش می‌باشد، در قلمرو تربیت‌بدنی برای هر حرفه اعم از تربیتی، تدریسی، غیرآموزشگاهی و یا مربیگری تربیت‌بدنی، داشتن اعتقاد به یک سلسله باورهای فلسفی درباره تربیت‌بدنی و ورزش، امری اساسی است (۷). از این رو، برای اولین بار در کشور، با هدف بررسی اثر آموزش اصول و فلسفه تربیت‌بدنی بر ذهنیت فلسفی دانشجویان دختر و پسر گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی ورزشی، این تحقیق انجام گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که، میان دانشجویان دختر و پسر، دانشجویان مشغول به ورزش‌های انفرادی و گروهی، و دانشجویان صاحب عناوین متعدد ورزشی، تفاوت معنی‌داری در میزان ذهنیت فلسفی وجود نداشت که با مطالعه خالدان و آبکار (۱۳۸۴) همسو است، از این رو بدون مجزا نمودن دو گروه از هم و بطور کلی به تجزیه و تحلیل، و بحث پرداخته شد. مهمترین یافته این پژوهش، مشاهده افزایش (۲۶ رتبه مثبت در مقابل ۱۳ رتبه منفی و ۲ گره) معنی‌دار ( $p=0/008$ ) میزان ذهنیت فلسفی دانشجویان مقطع کارشناسی ناپیوسته تربیت‌بدنی گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی، پس از آموزش اصول و فلسفه تربیت‌بدنی، در مقایسه با قبل از برگزاری کلاس‌ها بود. جنبه مهمی از فلسفه، با طرز فکر و نگرش فیلسوف و روح وی سروکار دارد. فیلسوف علاوه بر بررسی و انتقاد و تهیه آرا و عقاید فلسفی و بکار بردن روشی خاص در پژوهش‌های فلسفی، دارای طرز



فکری خاص و روحی مشخص است. فیلسوف در برخورد با اشخاص و در مواجهه با مشکلات، در بحث‌ها، در انجام امور عادی و بطور کلی در تمام شئون زندگی، خصوصیات در رفتار خود ظاهر می‌سازد که باعث تمایز او از دیگران می‌شود (۱۳). ویژگی‌های عمده‌ای که فیلسوفان واقعی در رفتار خود ظاهر می‌سازند، شامل: تردید منطقی، فروتنی، کنجکاوی زیاد، وحدت شخصیت، فهم عمیق، اتکای به نفس، دید وسیع، طرفداری از ارزش‌های انسانی، سعه صدر، ترقی طلبی است (۶). از دیدگاه اسمیت، ذهنیت فلسفی دارای سه بُعد «جامعیت»، «تعمق» و «انعطاف‌پذیری» می‌باشد (۱). در تحقیق حاضر افزایشی در مؤلفه‌های جامعیت و تعمق نیز مشاهده شد (به ترتیب ۲۴ رتبه مثبت در مقابل ۱۴ رتبه منفی و ۳ گره) ( $p = 0/017$ ) و (۲۶ رتبه مثبت در مقابل ۱۴ رتبه منفی و ۱ گره) ( $p = 0/015$ ); اما در مؤلفه انعطاف‌پذیری تغییر (۱۸ رتبه مثبت در مقابل ۲۲ رتبه منفی و ۱ گره) معنی‌داری ( $p = 0/385$ ) یافت نشد. جامعیت، ذهنیتی است که پدیده‌های جهان را در قالب یک ارگانیزم می‌بیند؛ به طوری که تمام عناصر جهان در ارتباط با یکدیگرند و تمام عناصر موجود در آن دارای وحدت و بهم پیوستگی می‌باشند؛ چهار ویژگی برای جامعیت قابل بحث است: الف) نگرستن به موارد خاص در ارتباط با زمینه‌ای وسیع، ب) ارتباط دادن مسائل آنی و موجود به هدف‌های درازمدت، ج) بکار بردن قوه تعمیم، و د) شکیبایی و سعه صدر در تفکرات عمیق نظری (۱). در تحقیق حاضر همه این چهار ویژگی افزایش یافتند، اما این افزایش تنها در ویژگی اول (نگرستن به موارد خاص در ارتباط با زمینه‌ای وسیع) و سوم (بکار بردن قوه تعمیم) معنی‌دار بود. تعمق، به ذهنیتی اطلاق می‌شود که امری را مورد مطالعه عمیق قرار می‌دهد؛ به عبارت دیگر به پشت سر و یا گنه مطلب می‌نگرد. این بُعد نیز دارای ۴ ویژگی می‌باشد؛ الف) زیر سؤال بردن آنچه بدیهی یا مسلم تلقی می‌شود، ب) کشف و بیان امور اساسی، مسائل و فرض‌ها در هر موقعیت، ج) کاربرد حساسیت نسبت به اشارات و امور مربوط به جنبه‌های اساسی در هر موقعیت، و د) مبتنی کردن انتظارات بر جریان فرضیه استنتاجی و قیاسی (۱). در این پژوهش همه این چهار ویژگی افزایش نشان دادند، ولیکن این افزایش تنها در ویژگی اول (زیر سؤال بردن آنچه بدیهی یا مسلم تلقی

می‌شود) و سوم (کاربرد حساسیت نسبت به اشارات و امور مربوط به جنبه‌های اساسی در هر موقعیت) معنی دار بود. انعطاف‌پذیری، ذهنیتی می‌باشد که قابلیت پذیرش منطقی روش‌ها و راه‌های جدیدی، که در جهان تولید و کار و تکنولوژی، پدید آمده است و همچنین دوری از مقاومت ناروا نسبت به این تغییرات را در بر می‌گیرد. این بُعد ذهنیت فلسفی نیز دارای ۴ ویژگی جزئی‌تر می‌باشد: الف) ره‌ساختن خود از جمود روان‌شناختی (فکری)، ب) ارزش‌سنجی افکار و نظریات، جدا از منبع آن، ج) توجه به جهات مختلف مسائل و توسعه فرضیه‌ها، توضیح‌ها و دیدگاه‌ها، و د) پذیرفتن قضاوت موقتی و مشروط و علاقه‌ای (۱). در تحقیق حاضر هیچکدام از این ۴ ویژگی تغییر معنی‌داری را نشان ندادند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج مشاهده شده، آموزش اصول و فلسفه تربیت‌بدنی بر ذهنیت فلسفی دانشجویان تأثیر داشت، به طوری که سبب بهبود معنی‌دار تفکر فلسفی، ابعاد جامعیت و تعمق آن و برخی از ویژگی‌های این دو بُعد گردید. به عبارت دیگر دلیل افزایش معنی‌دار ذهنیت فلسفی دانشجویان تحت تعلیم، بالارفت و بهبود معنی‌داری ابعاد جامعیت و تعمق و بعضی از ویژگی‌های آن‌ها بود. بنابراین توصیه می‌شود ضرورت آموزش آن در دوره‌های ضمن خدمت مدیران و همچنین واحدهای تصمیم‌گیری سازمان‌های ورزشی مورد تأکید قرار گیرد. همچنین با توجه به کمبود وجود شواهدی از این دست، به پژوهشگران توصیه می‌شود جهت جستجو و غنابخشیدن به این مبحث به تحقیقات تکمیلی اقدام نمایند.

### منابع فارسی

اسمیت، جی. فیلیپ. (۱۳۷۸). *ذهنیت فلسفی در مدیریت آموزشی*. ترجمه محمدرضا بهرنگی، چاپ سوم، تهران، انتشارات کمال تربیت.

اسمیت، جی. فیلیپ؛ هولفیش، گوردون. (۱۳۷۱). تفکر منطقی، روش تعلیم و تربیت. ترجمه علی شریعتمداری، تهران، سمت. چاپ سوم.

خالدان، اصغر و آبکار، علیرضا. بررسی میزان ذهنیت فلسفی مربیان ورزش و رابطه آن با برخی از مشخصات فردی. (بهار و تابستان ۱۳۸۴). نشریه پژوهشنامه علوم ورزشی. سال اول، شماره اول، صص ۱۵-۱.

داوری، رضا. (۱۳۵۹). فلسفه چیست. تهران. انجمن حکمت و فلسفه ایران.

سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۵). علم چیست، فلسفه چیست؟ تهران، چاپ حکمت.

سلطانی، ایرج. (۱۳۷۵). اندازه‌گیری ذهنیت فلسفی مدیران. فصلنامه تدبیر، شماره ۶۲.

مظفری، سید امیر احمد و پورسلطانی زرنیدی، حسین. (زمستان ۱۳۸۶). اصول و فلسفه تربیت بدنی. چاپ دوم، تهران: انتشارات بامداد کتاب.

نعمه، شیخ عبدالله. (۱۳۷۴). فلاسفه شیعه. ترجمه جعفر غضبان. تهران: سازمان انتشارات انقلاب اسلامی.

نقیب‌زاده، میرحسین. (۱۳۸۰). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات طهوری.

نیکو اقبال، علی‌اکبر. (۱۳۶۹). مشکلات مدیریت و تصمیم‌گیری عقلانی. تهران: مؤسسه توسعه و تحقیقات اقتصادی.

وست، دבורا آ و بوچر، چارلز آ. (۲۰۰۴). مبانی تربیت بدنی و ورزش. ویرایش چهارم. ترجمه احمد آزاد (۱۳۸۳). چاپ یازدهم. تهران: انتشارات دانش افروز.

همتی‌نژاد، مهرعلی، طیبی، سید مرتضی؛ قربانعلی‌زاده قاضیبانی، فاطمه. (۱۳۸۸). آمار غیرپارامتریک در تربیت بدنی و علوم ورزشی به همراه آموزش گام‌به‌گام در SPSS. رشت: انتشارات وارسته. چاپ اول.

طالب‌پور، مهدی؛ حسینی، علیرضا؛ جباری، هادی؛ و جباری، مهدی. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه ذهنیت فلسفی مدیران، مربیان و سرپرستان تیم‌های ورزشی دانشگاه‌های سراسر کشور. پژوهش در علوم ورزشی، شماره هفتم، صص ۱۳۰-۱۰۹.

